

استانداردسازی و رشد:

مطالعه AFNOR دارای دو بعد بود:

اول: یک تحلیل اقتصادکلانی برای یافتن ارتباط بین استانداردها و رشد طولانی مدت. این تحلیل بر اساس متدی است که برای اولین بار در آلمان ۱۹۹۹ استفاده شد و پیرو آن با انجام تغییراتی در بریتانیا ۲۰۰۵، استرالیا ۲۰۰۷، و در کانادا ۲۰۰۷ استفاده شد. این تحلیل نشان داد که استانداردسازی در طول زمان به طور مستقیم بر رشد اقتصاد در فرانسه اثر داشته (نزدیک به ۰.۸۱٪ یا تقریباً ۲۵٪ از تولید ناخالص داخلی)

دوم: یک تحلیل اقتصاد خردی برای جمع آوری برداشت ها و نظرات شرکت ها درباره ی تاثیر استاندارد سازی.

این یک نظرسنجی بود از ۱۹۷۰ شرکت و سازمان متنوع و فعال در تمام زمینه ها، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا در پروسه استاندارد سازی قرار دارند یا خیر.

نتایج این تحلیل بسیاری از نظرات عمومی را از قبیل هزینه استاندارد سازی رد کرد.

بیش از ۶۶٪ از شرکت های مصاحبه شده استانداردسازی را به خاطر تاثیرگذاری آن در بر سودآوری با ارزش می دانند و اثبات می کنند که تاثیر مثبتی بر اعتبار شرکت داشته.

یک نظر عمومی دیگر نیز توسط این تحلیل کنار گذاشته شد: این تنها شرکت های عظیم نیستند که قادر به تجهیز منابع قابل توجهی در پروسه استانداردسازی هستند، ساختارهای کوچک تر مانند SME ها نیز با داشتن ۲۵۰ کارمند یا کمتر از این منابع بهره مند اند. بنابراین ۶۹.۳٪ از شرکت های استانداردسازی را موثر بر فعالیت خود می دانند.

این مطالعه مزایای شناسایی شده استانداردها را تایید نمود:

- ✓ قابلیت کاربرد مشترک محصولات / خدمات
- ✓ افزایش تولید
- ✓ کسب سهم در بازار
- ✓ پیشرفت در مراده با موسسه های عمومی R&D



اثر استاندارد سازی بر سازمان ها



در سال ۲۰۰۹، AFNOR عضو فرانسوی ایزو تحقیقی را منتشر کرد که به تاثیر استانداردسازی از نظر اقتصاد خرد و کلان می پردازد. این نظرسنجی که اولین در نوع خود محسوب می شود، نتایج قابل توجهی را در پی داشت:

استانداردسازی به طور مستقیم بر حدود ۲۵٪ رشد تولید ناخالص داخلی GDP در فرانسه تاثیر دارد، و ۶۶٪ از ۱۹۷۰ شرکت فرانسوی مصاحبه شده اظهار داشتند که استانداردسازی در سودآوری تاثیر دارد.

اثر اقتصادی توافق بزرگی از تحلیل مطالعه رشد و فاکتورهای رقابتی سازمان های تجاری به دست آمده. میزان دانش و آگاهی (به خصوص دانش مربوط به فناوری) و پویایی انتشار دانش در نهایت تعیین کننده رشد طولانی مدت در اقتصادهای بالغ تر است. در واقع، می توان گفت استانداردها به عنوان منبعی گسترده و دانشی مدون خود عامل محرکی است برای دستیابی به این روند انتشار .

با این حال تاکنون تاثیر آنها بر عملکرد اقتصاد کلان کمتر تحلیل و بررسی شده. اکثر مطالعات بر تحلیل پروسه هایی متمرکز بوده اند که بر پایه شکل جزئی تری از دانش استوار بودند. (مانند تحقیق و توسعه، نوآوری و...) تا اینکه به استانداردسازی و استانداردها پردازند.

۵ نکته اساسی:

افزایش ارزش شرکت:

زمانی که ۷۰٪ از مصاحبه شوندگان بیان کردند استانداردهای اختیاری باعث افزایش ارزش شرکت آنها گردید، منظور آنها تنها وجه برند نبوده. آنها به استانداردسازی به عنوان یک دارایی اقتصادی اشاره داشتند. سرمایه دانشی که با حضور شرکت در روند استانداردسازی به دست آمده، نشانگر ارزش واقعی است.

نوآوری:

استانداردسازی نه تنها باعث ترویج نوآوری بدون برملا ساختن اسرار تکنولوژیکی یا تولیدی شرکت می شود، بلکه باعث بازسازی سود برای یک محصول می شود.

برای مثال: ۶۳٪ از پاسخ دهندگان با مطلوب دانستن این رویکرد اظهار داشتند استانداردهای اختیاری باعث ایجاد تفاوت بهتر و بیشتر بین محصولات می گردد. استانداردسازی یک ابزار گزینشی است.

شفافیت و حسن نیت:

۶۱٪ از پاسخ دهندگان تاثیر استانداردها بر افزایش مطابقت با قوانین رقابتی را تأیید کردند، و ۵۶٪ به ماهیت اختیاری بودن آنها اذعان نمودند، که این امر همکاری با دیگر سهامداران را آسان می سازد

استانداردسازی تعیین کننده قوانین بازی است، و امکان از میدان خارج کردن رقبای ناکارآمد را ایجاد می کند.

بین المللی بودن:

۹۰٪ استانداردها در اصل بین المللی یا اروپایی هستند. ۷۰٪ از شرکت های نظرسنجی شده استفاده از این استانداردها را فراهم کننده مزیتی برای توسعه تبادلات بین المللی می دانند. به علاوه ۴۶٪ از شرکت ها دریافتند که استانداردها آنها را قادر ساخته ظرفیت صادرات خود را افزایش دهند. وقتی بحث صادرات در میان باشد استانداردسازی فراهم کننده یک گذرنامه اصل و معتبر است.

کیفیت محصولات و خدمات:

استانداردسازی یک تضمین حقیقی برای کیفیت است. برای مثال ۷۴٪ تأیید کرده اند که استانداردسازی کنترل مشکلات مربوط به ایمنی را افزایش می دهد، ۷۹٪ نیز بیان نمودند که استانداردسازی مطابقت با قوانین را بهبود می دهد.

از بین بردن مرزها:

شرکت های فرانسوی به وضوح شاهد مزایای استانداردسازی هستند. در فرانسه شرکت ها گرایش دارند استانداردسازی را در راهبردهای استراتژیک کلی خود به کار گیرند. سرمایه گذاری در زمینه استانداردهای اختیاری تبدیل به یک پروژه صنعتی میان دیگران شده. با بکارگیری مدیریت ریسک انتظار به بازگشت

سرمایه شرکت ها است. و به این ترتیب اعتماد مصرف کنندگان و مشتریان به شرکت ها افزایش می یابد.



یافته های این نظرسنجی تأییدکننده نقش استانداردسازی در اقتصاد فرانسه است. این یافته ها به شرکت ها و تصمیم گیران سیاسی کمک می کند به یکی از اصلی ترین چالش های قرن پیردازند: از بین بردن مرزهای تکنولوژیکی به منظور افزایش قابلیت رقابتی و توسعه.

کلام پایانی:

استانداردها سازه دنیایی امن تر، ثروتمندتر و متحدتر است.

به عبارتی دیگر استانداردها سازه جهانی پایدارتر و باثبات تر هستند.